

بررسی تطبیقی عملکرد دولت پهلوی و جمهوری اسلامی با نظام آپارتاید

۱۲ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۳:۰۱

ژاندارمی ایران به نیابت از غرب در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس و ایفای نقش آفریقایی جنوبی به عنوان عامل غرب برای مبارزه با گسترش فعالیت‌های کمونیستی، همگرایی دو کشور برای جلوگیری از گسترش نفوذ اتحاد شوروی و نظام کمونیستی و نیاز رژیم آپارتاید به نفت ایران، سبب گسترش روابط ایران و آفریقایی جنوبی شد. این دو دولت به دلیل تحریم آپارتاید نتوانستند روابطی در سطح عالی داشته باشند اما موفق شدند که در کشورهايشان کنسولگری دایر کنند.

رژیم آپارتاید در آفریای جنوبی از سال ۱۹۴۸ بر سرنوشت مردم آفریقا مسلط شد و با اتخاذ سیاست‌های نژادپرستانه و تبعیض‌آمیز علیه بومیان سیاه‌پوست آفریقا واکنش همگان را برانگیخت. جدای از مبارزات داخلی که بسیاری از آزادی‌خواهان آفریقایی را به صحنه آورد، جامعه بین‌المللی هم واکنش نشان داد و برای همین، دولت آپارتاید به سرعت تحت تحریم جوامع و کشورهای جهان قرار گرفت و جز درباره معدودی دولت‌ها، روابط سیاسی و اقتصادی با این دولت کاهش یافت.

رژیم آپارتاید برای مقابله با این انزوای سیاسی تصمیم گرفت که سیاست‌های ویژه‌ای را اتخاذ کند. یکی از این‌ها نقش‌آفرینی علیه کمونیسم شوروی بود. این رویکرد سبب نزدیکی غرب با دولت آپارتاید آفریقا شد و تا سقوط این رژیم هم کشورهای سفیدپوست غربی از حامیان اصلی آن به شمار می‌آمدند. روابط دولت پهلوی و آفریقایی جنوبی، در سطح بالایی قرار داشت و ایران مهم‌ترین تامین‌کننده نفت آفریقایی جنوبی بود. با وجود تحریم اجباری سازمان ملل، ایران تا زمان سقوط شاه به صادرات نفت ادامه داد، در حالی که پس از انقلاب در دهه ۱۹۸۰ فقط کشور کوچک برونئی باقی مانده بود که به آفریقایی جنوبی نفت صادر می‌کرد. آفریقایی جنوبی در دوران تحریم اقتصادی جهانی، برنامه‌ای برای سوخت زغال و تبدیل زغال به نفت را شروع کرد. شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۳۴۶ در قراردادی متعهد شد که برای پانزده سال، هفتاد درصد از نفت مورد نیاز پالایشگاه ناتروف را برابر با ۲۵/۰۳۵/۰۰۰ تن متریک نفت خام، تامین و آفریقایی جنوبی نیز اورانیوم و فولاد به ایران صادر کند.



خشونت‌های و تبعیض‌های نژادی رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی مخالفت بسیاری از کشورهای جهان را در پی داشت.

دولت آفریقای جنوبی تا زمان شروع حرکت‌های ضدآپارتاید که به یک بازنگری اساسی در سیاست‌های این کشور انجامید، تنها در ۴۳ کشور جهان از جمله کشورهای سفیدپوست اروپای غربی، ایران پهلوی و اسرائیل نمایندگی داشت. پس از تحریم اوپک در سال ۱۹۷۳ تا زمان سقوط پهلوی‌ها، ایران بیش از نود درصد از واردات نفت آفریقای جنوبی را سازماندهی و در عوض از آفریقای جنوبی سنگ آهن، استیل، سیمان، ذرت، شکر و دیگر محصولات کشاورزی وارد می‌کرد.

ژاندارمی ایران به نیابت از غرب در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس و ایفای نقش آفریقای جنوبی به عنوان عامل غرب برای مبارزه با گسترش فعالیت‌های کمونیستی، همگرایی دو کشور برای جلوگیری از گسترش نفوذ اتحاد شوروی و نظام کمونیستی و نیاز رژیم آپارتاید به نفت ایران، سبب گسترش روابط ایران و آفریقای جنوبی شد. این دو دولت به دلیل تحریم آپارتاید نتوانستند روابطی در سطح عالی داشته باشند اما موفق شدند که در کشورهایشان کنسولگری دایر کنند. بر این اساس نخست آفریقای جنوبی سرکنسولگری خود را در اواسط سال ۱۳۴۹ در تهران تاسیس و ایران نیز در تاریخ ۳۰ آبان همان سال سرکنسولگری خود را در ژوهانسبورگ افتتاح کرد.

فعالیت‌های اقتصادی دو کشور تا پیش از انقلاب، منحصر در فعالیت‌های نفتی بود. قراردادهای پالایشگاه ساسولبرگ (ناتروف) و قرارداد فروش نفت به صورت طولانی نسبت به دیگر قراردادها اهمیت بیشتری داشت. ایران در سال ۷۵-۱۹۷۴، ۷۸ درصد، در سال ۷۸-۱۹۷۷، ۹۰ درصد و در سال ۱۹۷۸، یعنی یکسال پیش از انقلاب، ۹۸ درصد نفت آفریقای جنوبی را تامین می‌کرد. در

پی قطعنامه ۳۳۷۹ سازمان ملل علیه نژادپرستی، در کشورهای خاورمیانه تنها ایران این قطعنامه را رعایت نکرد و به ارتباط خود با آفریقای جنوبی ادامه داد و این مساله تا سقوط شاه ادامه داشت. کشورهای خط مقدم به همکاری ایران با آفریقای جنوبی اعتراض کردند و قرار شد که رئیس جمهور زامبیا، کنت کانوندا در سفری به ایران با مقامات ایرانی گفتگو کند که با مخالفت مقامات دولت پهلوی روبرو شد.



دولت محمدرضا پهلوی به دلایل علاقات ایدئولوژیک، منافع اقتصادی و نیز همگامی با سیاست‌های غرب حاضر به قطع روابط با آفریقا یا تحریم آن نداشت.

پیش از انقلاب، به دنبال سفر شهرداران تهران و ژوهانسبورگ به این شهرها، در سال ۱۳۵۲ توافق‌نامه خواهرخواندگی میان دو شهر امضاء و خیابانی در ژوهانسبورگ، تهران نامگذاری شد. همچنین یکی از سینماها و خیابان‌های شهر دوربان، شیراز نامیده شد. در دوره حکومت پهلوی در ایران، روابط ایران و آفریقای جنوبی با وجود ممانعت‌های عمومی و تحریم‌های سازمان‌های جهانی، به دلیلی علاقه دودمان پهلوی و نیز هماهنگی ایدئولوژیک و تا اندازه‌ای هم بهرمندی از برخی مزایا و منافع اقتصادی در سطح خوبی قرار داشت. البته پهلوی‌ها به دلیل برخی ضرورت‌های ظاهری نمی‌توانستند از سطح کنسولگری روابط خود را ارتقاء

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی -رحمة الله علیه-، تحولات واژگون شد. نظام برآمده از انقلاب اسلامی، دقیقاً در تقابل ایدئولوژیک با اندیشه آپارتاید و نژادپرستی قرار داشت و پشتیبانی از نهضت‌های آزادی‌بخش و مظلومان و مستضعفان جهان از اصول اساسی سیاست و ایدئولوژی آن بود. اندیشه قطع رابطه با دولت نژادپرست آفریقای جنوبی حتی پیش از پیروزی انقلاب مطرح بود. حضرت امام خمینی -رحمة الله علیه- در نوفل لوشاتو درباره فروش نفت به آفریقای جنوبی و رژیم صهیونیستی اعلام کرد: «ما حاضر نیستیم به کشور نژادپرست و جنایتکار و دشمنان بشریت و انسانیت نفت بفروشیم.» در جای دیگر می‌فرماید: «...و یا آفریقای جنوبی تا به این وضعی که دارد خاتمه ندهد ما با او رابطه‌ای نمی‌توانیم برقرار کنیم و نفت هم به او نخواهیم داد.»



امام خمینی (رحمة الله علیه) از پیش از انقلاب قطع رابطه با دولت آپارتاید را نوید می‌داد.

روابط دو کشور در ۱۳ اسفند ۱۳۵۷ قطع شد. جمهوری اسلامی همکاری نفتی رژیم پیشین با دولت آپارتاید را نیز معلق کرد که این تحریم نفتی ضربه اقتصادی سنگینی برای دولت آفریقا بود. دولت موقت در مقررات صادرات و واردات مصوب ۲۹ فروردین ۱۳۵۸ ورود محصول یا مصنوع کشورهای اسرائیل و آفریقای جنوبی و نیز صدور کالا از ایران به این کشور را غیرمجاز اعلام کرد. در پی قطع رابطه، دولت سوئیس در خرداد ۱۳۵۸ به عنوان حافظ منافع دو کشور تعیین و سرکونسولگری ایران در ژوهانسبورگ به عنوان دفتر حفاظت منافع تبدیل شد.

جمهوری اسلامی در کنار قطع روابط با دولت آپارتاید، با گروه‌های مبارز و آزادی‌بخش ارتباط برقرار کرد و با عناوین مختلف از این مبارزات حمایت به عمل آورد. دفتر نهضت استقلال طلب نامیبیا (سواپو) در تهران افتتاح شد و حمایت از مبارزات کنگره ملی آفریقا در دستور کار قرار گرفت. سفر نلسون ماندلا پس از آزادی به ایران و دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای نقطه عطف و برآیند طبیعی این روابط بود. شرکت فعال در تحریم‌های بین‌المللی علیه آفریقای جنوبی، صدور بیانیه وزارت امور خارجه در رابطه با مسائل آفریقا و شرکت در همایش‌های ضدآپارتاید از جمله حمایت‌های جمهوری اسلامی بود. در دوران قطع روابط، ارتباط با مسلمانان علاقه‌مند و فعال این کشور برقرار شد و برای برنامه‌ها و گردهم‌آیی‌های مختلف به ایران دعوت شدند.



جمهوری اسلامی ایران از بدو سرنگونی رژیم آپارتاید با دولت جدید روابط خود را به گرمی آغاز کرد

همزمان با تشدید مبارزات داخلی، فشارهای خارجی هم علیه رژیم آپارتاید فزونی یافت. این فشارها به اندازه‌ای بود که حتی

مارگارت تاچر، نخست وزیر انگلیس که همیشه با تحریم اقتصادی دولت آفریقا مخالفت می کرد وادار شد که سکوت کند. به دنبال چهار سال مذاکره فشرده از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ میان دولت آپارتاید و کنگره ملی آفریقا (جریانی که رهبری مبارزات را به عهده داشت)، سرانجام لایحه شورای انتقالی اجرایی که به سیاهپوستان اجازه می داد پس از سیصد سال سلطه انحصاری سفیدپوستان در تصمیم گیری های دولت شرکت کنند، به تصویب رهبران احزاب رسید. متعاقب این تصویب، نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا طی نطقی خواستار پایان تضییقات جهانی علیه آفریقای جنوبی شد. با برگزاری نخستین انتخابات غیرنژادی در آفریقا، ماندلا به ریاست جمهوری رسید و روابط کشورها با آفریقا از سر گرفته شد.

دولت جمهوری اسلامی نیز در پاسخ به درخواست ماندلا و کنگره، در سال ۱۳۷۲ به تحریم های اقتصادی و تجاری علیه آفریقا پایان داد و مقدمات برای گسترش روابط میان دو کشور فراهم شد. سال بعد و با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، روابط سیاسی دو کشور هم از سر گرفته شد که تا امروز ادامه دارد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۱۰۵/آپارتاید-نظام-اسلامی-جمهوری-پهلوی-دولت-عملکرد-تطبیقی-بررسی/>